ایثار و مقاومت
ارتباط با ما ۸۸۴۹۸۴۸۱

نگاه

پیروزی بزرگ در زمانی حساس

غلامحسین بهبودی

عملیات والفجر ۸ یکی از عملیات‌های مهم دفاع مقدس است که در زمانی حساس منجر به خلق یک پیروزی بزرگ در جبهه‌های دفاع مقدس شد. والفجر ۸ سومین عملیات بزرگ سالانه ایران به شمار می‌رفت. از عملیات خیبر که زمستان سال ۶۲ انجام گرفت، ایران تا پایان جنگ هر سال در فصل زمستان یک عملیات بزرگ و سرنوشت‌ساز انجام می‌داد. این عملیات سالانه بزرگ به ترتیب: خیبر در اسفند سال ۶۲، بدر در اسفند سال ۶۳، والفجر ۸ در بهمن ۶۴، کربلای ۴ و ۵ در دی ۶۵ و والفجر ۱۰ در اسفند سال ۶۴ بودند. اما اهمیت والفجر ۸ از این رو بود که تقریباً بعد از پیروزی ایران در فتح خرمشهر هیچ‌کدام از عملیات‌های بزرگ کشورمان به موفقیت چندانی نائل نیامده بودند و جبهه‌ها در یک حالت رکودی (از حیث جابه‌جایی مرزها و مناطق) قرار داشتند. بعد از فتح خرمشهر، ایران عملیات رمضان را تدارک دید تا از سمت شلمچه و پاسگاه زید خودش را به بصره برساند. این عملیات در تیرماه ۱۳۶۱ با عدم‌الفتح روبه‌رو شد.

در زمستان سال ۶۱ عملیات والفجر مقدماتی در منطقه عملیاتی فکه طرح‌ریزی و اجرا شد. در صورت پیروزی، العماره عراق که حد فاصل بصره و بغداد بود در اختیار نیروهای ایرانی قرار می‌گرفت که والفجر مقدماتی هم به نوعی لو رفت و از طرف دیگر ایران برای اولین بار به شکل گسترده با استراتژی موانع عراقی‌ها روبه‌رو شد و در مواجهه با یک صد کیلومتر طول موانع دشمن، رزمندگان کاری از پیش نبردند.

بهار سال ۶۲ ایران دوباره از همان منطقه فکه، عملیات والفجر یک را به اجرا گذاشت که آن هم موفقیت چندانی دربرنداشت. سپس قرار شد از عملیات بزرگ با فواصل زمانی چندماهه صرفنظر شود و درعوض با یک سلسله عملیات شناسایی گسترده و باحوصله، یک عملیات بزرگ در آخرین ماه از سال ۶۲ انجام بگیرد. این عملیات که خیبر نام داشت، در منطقه عملیاتی هور انجام شد و هرچند به تصرف جزایر مجنون انجامید، اما به هدف اصلی عملیات که رسیدن نیروهای خودی به آن سوی دجله و در اختیار گرفتن جاده العماره به بصره بود نائل نیامد. بالاخره در زمستان سال ۶۳ ایران بار دیگر از منطقه هور طی عملیات بدر وارد عمل شد که دستاوردهای این عملیات کمتر از عملیات خیبر بود.

بنابراین والفجر ۸ در حالی صورت می‌گرفت که بعد از خردادماه ۱۳۶۱ هیچ‌کدام از عملیات‌های بزرگ و سرنوشت‌ساز ایران به موفقیت چندانی نائل نیامده بودند. این بار اما طی یک عملیات حساب شده و غافلگیر کننده، نیروهای ایرانی از منطقه‌ای وارد شدند که دشمن هرگز تصور نمی‌کرد ایران بخواهد از آنجا به خطوط او حمله ببرد. فاو در آن سوی رودخانه عریض اروند، جایی بود که در بهمن ماه ۱۳۶۴ شناوای غریو الله‌اکبر نیروهای ایرانی شد و راهی جز تسلیم و تصرف در برابر اراده جنود حق پیدا نکرد.

خاطراتی از مقدمات عملیات والفجر ۸ در گفت‌وگوی «جوان» با مسئول اطلاعات-عملیات لشکر ۱۴ امام‌حسین(ع) در دفاع مقدس

خط دشمن را یک شبه شناسایی کردیم

علیرضا محمدی

برای انجام عملیات والفجر ۸ در بهمن ماه ۱۳۶۴، تدارک گسترده‌ای صورت گرفته بود. ماه‌ها عملیات شناسایی، مهندسی و رعایت دقیق اصول حفاظتی، بخشی از مقدماتی بود که نهایتاً منجر به عبور شگفت‌انگیز نیروهای ایرانی از رودخانه عریض و وحشی اروند شد. در این بین لشکر ۱۴ امام حسین(ع) تا چند روز منتهی به شروع عملیات، جزو لشکرهای خط‌شکن بود. آنطور که محسن رضایی بعدها تعریف کرده است، به جهت قانع نشدن فرماندهان دو لشکر ۸ نجف و ۱۴ امام حسین(ع) از طرح عملیات والفجر ۸، ابتدا قرار شد این دو لشکر جزو نیروهای خط‌شکن نباشند و در ادامه عملیات وارد عمل شوند، اما یک هفته مانده به شروع عملیات، فرماندهان هر دو لشکر با اصرار می‌خواهند خطی به آنها واگذار شود تا به عنوان یگان‌های خط‌شکن وارد عمل شوند. گفت‌وگوی ما با سردار سیداحمد موسوی مسئول اطلاعات-عملیات لشکر ۱۴ امام حسین(ع) بر آن است تا مروری به نحوه عملکرد لشکر ۱۴ امام حسین(ع) در عملیات والفجر ۸ داشته باشد.

نام لشکر امام حسین(ع) در ابتدا به عنوان یگان خط‌شکن عملیات والفجر ۸ مطرح نبود؛ چه اتفاقی افتاد که قرار شد شما هم در خط‌شکنی ورود کنید؟

لشکر ۱۴ از ابتدای تشکیلش تقریباً در تمامی عملیات‌ها جزو لشکرهای خط‌شکن بود. وقتی هم که قرار شد خودمان را برای والفجر ۸ آماده کنیم، مثل دیگر لشکرها یک گردان غواصی آموزش دادیم و آماده عملیات شدیم. اما چند روز مانده به شروع والفجر ۸، با ابلاغ نوع مأموریت متوجه شدیم قرار نیست این بار خط‌شکن باشیم. ما باید در ادامه لشکر نصر وارد عمل می‌شدیم و در مراحل بعدی عملیات ورود می‌کردیم. با طرح این موضوع، بین بچه‌ها ناراحتی پیش آمد. شهید خرازی جلسه‌ای را در شورای فرماندهی لشکر ۱۴ برگزار کرد که آنجا همه بچه‌ها ناراحتی‌شان را اعلام کردند. چون ما همیشه خط‌شکن بودیم، حرفمان این بود که حالا چرا نباید خط‌شکنی کنیم. ما هم گردان غواص داشتیم و از قبل خودمان را آماده عملیات کرده بودیم. شهید خرازی هم با ما هم‌نظر بود. همان ایام جلسه‌ای در آبادان با حضور محسن رضایی فرمانده وقت سپاه و چند فرمانده لشکر برگزار شد. آنجا اعلام کردیم می‌خواهیم خط‌شکن باشیم و به این ترتیب یک محور در اختیار لشکر ۱۴ قرار گرفت.

جلسه آبادان چند وقت قبل از عملیات بود؟ در آنجا چه اتفاقی افتاد؟

شاید یک هفته مانده به شروع عملیات بود. از لشکر ما غیر از خود حاج حسین، تعدادی از اعضای شورای فرماندهی لشکر مثل مسئول اطلاعات-عملیات، مهندسی لشکر و چند فرمانده گردان دعوت شده بودند. به مقر آبادان رفتیم و آنجا دیدیم خود آقای رضایی و چند فرمانده لشکر مثل حاج باقر قالیباف فرمانده لشکر نصر و مسئولان لشکر ۳۱ عاشورا و نفرات دیگری هستند. این دو لشکر قرار بود در جناح چپ و راست لشکر ما وارد عمل شوند. در حین جلسه ابراز ناراحتی کردیم که چرا نباید خط‌شکن باشیم. سپس دو لشکر دیگر هم نظراتشان را گفتند و عملکرد و مانور پیش از عملیات را اعلام کردند. اینطور احساس شد که لشکر نصر در یک محور آمادگی کامل ندارد. قرار شد همین محور را به ما بدهند و لشکر ما در همان شب اول عملیات به عنوان یگان خط‌شکن وارد عمل شود.

کدام محور به شما واگذار شد؟ در آن یک هفته چطور خودتان را آماده کردید؟

ما باید از سمت راست اسکله چهارچراغ عراق وارد عمل می‌شدیم و خودمان را به جاده آسفالته البحار-فاو می‌رساندیم. محور ما همجوار با لشکر عاشورا بود. همانطور که شما هم گفتید، زمان کمی به عملیات باقی مانده بود و باید سریع خودمان را آماده می‌کردیم. ابتدا قرار بود برای رسیدن به اروند از جاده بچه‌های لشکر نصر استفاده کنیم، اما بعد لشکر تصمیم گرفت خودش یک جاده احداث کند. برای این کار باید شبانه‌روز کار می‌کردیم. یک جاده باریک و خاکی بین نخل‌ها بود که بچه‌های مهندسی ما طی چهار شبانه‌روز این جاده را پهن کردند، شن‌ریزی کردند و در کمترین زمان آن را تبدیل به یک جاده عریض دو طرفه کردند. همزمان باید اسکله و قایق‌ها و انتقال ادوات و کارهایی از این دست انجام می‌گرفت که واقعاً در آن یک هفته منتهی به عملیات بچه‌ها شبانه‌روز و بدون وقفه کار کردند تا توانستند مقدمات ورود لشکر در شب اول عملیات را آماده کنند.

> ما دو نفر از بهترین و باتجربه‌ترین نیروهای اطلاعاتی لشکر را مأمور کردیم تا به همراه دو نفر از نیروهای اطلاعاتی لشکر نصر به آن طرف اروند بروند و خطوط دشمن را شناسایی کنند. این دو نفر دو شب قبل از عملیات رفتند و خطی را که باید وارد عمل می‌شدیم شناسایی کردند و سپس در شب عملیات غواص‌های لشکر را راهنمایی کردند

از بابت شناسایی خطوط دشمن مشکلی نداشتید؟ شما که مسئول اطلاعات-عملیات لشکر بودید در این خصوص چه کاری انجام دادید؟

ما دو نفر از بهترین و باتجربه‌ترین نیروهای اطلاعاتی لشکر را مأمور کردیم تا به همراه دو نفر از نیروهای اطلاعاتی لشکر نصر به آن طرف اروند بروند و خطوط دشمن را شناسایی کنند. این دو نفر دو شب قبل از عملیات رفتند و خطی را که باید وارد عمل می‌شدیم شناسایی کردند و سپس در شب عملیات غواص‌های لشکر را راهنمایی کردند.

یعنی فقط با یک‌بار شناسایی توانستند غواص‌های لشکر را در شب عملیات راهنمایی کنند؟

بله؛ این دو نفر از نیروهای باتجربه اطلاعات-عملیات لشکر بودند و یک‌بار شناسایی برایشان کافی بود.

این دو نفر چه کسانی بودند؟

یکی‌شان شهید جمال اصفهانیان بود و آن یکی آقای علی حجازی. اصفهانیان روز دوم عملیات در فاو به شهادت رسید. ایشان از رزمنده‌های باسابقه و نیروهای کاربلد لشکر ۱۴ بود. از مقطع سوسنگرد در اوایل جنگ وارد جبهه‌ها شده بود. از سال ۶۲ هم نیروی اطلاعات-عملیات شد و کارش را خوب بلد بود. جمال رزمنده‌ای متدین، خوش‌اخلاق و باصفا بود. به خاطر تبحری که داشت، در اغلب عملیات‌های شناسایی از ایشان استفاده می‌کردیم. با تجربیاتی که داشت در حد مسئول محور بود. در بحث غواصی هم جزو اولین نفرات به شمال کشور رفت تا آموزش ببینند. از عملیات بدر غواص بود و در والفجر ۸ هم فرماندهی یکی از گروهان‌های غواصی را برعهده داشت.

لشکر ۱۴ در شب عملیات چه تعداد نیرو وارد عمل کرد؟

در مرحله اول باید یک گروهان غواص وارد عمل می‌شد و سپس گروهان دوم غواص پشت‌بند آنها وارد ساحل دشمن می‌شدند. بعد هم باید یک گردان آبی-خاکی به عنوان موج دوم به عملیات ورود می‌کرد. درواقع ما برای شب عملیات دو گردان را وارد عمل کردیم. اینها باید خط دشمن را می‌شکستند و به جاده البحار می‌رسیدند.

خود شما چه زمانی به ساحل دشمن رفتید؟ اوضاع آنجا چطور بود؟ با وجود زمان کمی که داشتید، نیروهای لشکر ۱۴ چه عملکردی در خط‌شکنی داشتند؟

من به همراه گردان آبی-خاکی که بعد از غواص‌ها وارد عمل می‌شدند، به آن سوی اروند رفتم. بچه‌های غواص و نیروهای خط‌شکن ما بدون اطلاع سربازهای عراقی خودشان را به سنگرهای آنها رسانده بودند و درگیری اولیه رخ داده بود. بعد که باقی‌مانده نیروهای دشمن یا فرار کرده بودند یا مخفی شده بودند، بچه‌ها در همان ساعات اولیه خودشان را به جاده البحار رسانده بودند. می‌توانم بگویم ما زودتر از دو لشکر ۳۱ عاشورا و لشکر نصر خودمان را به هدف مورد نظر رسانده بودیم. واقعاً بچه‌ها خوب عمل کرده بودند. البته هوا که روشن شد، سر و کله هواپیماهای دشمن پیدا شد و همزمان توپخانه‌شان هم کار کرد. در اولین حمله هوایی جنگنده‌های بعثی، حدود ۱۰ الی ۱۵ نفر از بچه‌های غواص به شهادت رسیدند، اما درکل درگیری‌ها به نفع ما بود و توانستیم روی جاده تثبیت شویم.

اهمیت حفظ این جاده چه بود؟

در منطقه عملیاتی دو جاده مهم بود که به موازات هم قرار داشتند. یکی همین جاده البحار و دیگری جاده‌ای که از بصره به فاو می‌رفت. این دو جاده هرچه به فاو نزدیک‌تر می‌شدند فاصله‌شان کم می‌شد. تا جایی که در بندر فاو به همدیگر می‌رسیدند. جایی که ما مستقر شده بودیم، تا جاده بصره حدود دو کیلومتر فاصله داشت. همان روز اول دیدیم اتوبوس‌های حامل سربازان دشمن که به طرف فاو می‌رفتند روی جاده بصره-فاو ظاهر شدند. به طرف اتوبوس شلیک کردیم و نیروهایش از آن پیاده شدند و پا به فرار گذاشتند. بعد سر و کله تانک‌هایشان روی جاده پیدا شد که آنها را هم زدیم. اگر اینها می‌توانستند به راهشان ادامه بدهند و به سمت فاو بروند، کار برای نیروهایی خودی که آنجا درگیر شده بودند سخت‌تر می‌شد. به همین خاطر وقتی ما آنها را می‌زدیم، تانک‌های عراقی به طرف ما می‌آمدند و سعی می‌کردند ما را از بین ببرند. درواقع حضور ما در حرکت نیروهای دشمن روی جاده بصره به فاو اخلال ایجاد می‌کرد.

> جمال رزمنده‌ای متدین، خوش‌اخلاق و باصفا بود. به خاطر تبحری که داشت، در اغلب عملیات‌های شناسایی از ایشان استفاده می‌کردیم. با تجربیاتی که داشت در حد مسئول محور بود. در بحث غواصی هم جزو اولین نفرات به شمال کشور رفت تا آموزش ببینند. از عملیات بدر غواص بود

شدت درگیری‌های والفجر ۸ بین رزمنده‌های حاضر در آن زبانزد است. شما هم با چنین صحنه‌هایی روبه‌رو شدید؟

بله؛ آن دو گردان که عرض کردم، شب اول عملیات وارد عمل شدند. بعد که خط دشمن شکسته شد و به جاده البحار رسیدیم، تازه کار شروع شده بود. والفجر ۸ یکی از طولانی‌ترین عملیات‌های دفاع مقدس از حیث روزهای انجام بود. حدود ۷۰ روز طول کشید. دیگر گردان‌ها و یگان‌های لشکر در مراحل بعدی وارد عمل شدند و شهدا و جانبازان زیادی هم در این عملیات تقدیم کردیم. از فرمانده گروهان گرفته تا فرمانده گردان و مسئول محور و...

کدام مرحله از عملیات برای شما خاطره‌انگیز است؟

همه مراحلش خاطرات خاص خودش را دارد؛ کلا والفجر ۸ یک عملیات خاص و منحصربه‌فرد بود؛ اما در یک مقطع که قرار شد به سمت کارخانه نمک برویم و آنجا را در اختیار بگیریم، صحنه‌های واقعاً خاصی رقم خورد. برای این منظور گردان حضرت ابوالفضل(ع) از لشکر ۱۴ مأموریت داشت و از طرف دیگر هم قرار بود یک گردان از لشکر علی بن ابیطالب(ع) از ام‌القصر بیاید و یک گردان هم از لشکر نجف از خود جاده فاو-بصره وارد عمل شود. گردان ما رفت به کارخانه نمک رسید و با تیپ ساحلی-مرزی دشمن درگیر شد. تلفات زیادی هم از دشمن گرفت و مردانه جنگید. اما تا صبح راه فاو-بصره باز نشد. یک جاده در وسط این سه‌راهی بود که باز نشد. یک تیپ دیگر از نیروهای ساحلی-مرزی دشمن در آن طرف بود که مقاومت می‌کرد و باعث می‌شد الحاق بین گردان ما و دیگر نیروها ایجاد نشود. خلاصه سه‌راهی باز نشد و ما در محاصره قرار گرفتیم. در آن شرایط بچه‌ها ایستادگی کردند و رشادت‌ها نشان دادند. الان فیلم بخشی از آن درگیری‌ها وجود دارد و نشان می‌دهد که رزمندگان لشکر چطور آرپی‌جی به دست به مصاف تانک‌های دشمن می‌روند و آنها را شکار می‌کنند. در سه‌راه کارخانه نمک تا آنجا که می‌شد مقاومت کردیم و تا یکی دو ساعت قبل از ظهر هم آنجا بودیم، ولی چون راه تدارکات وجود نداشت و در محاصره قرار داشتیم، مجبور شدیم به عقب برگردیم. فرمانده محور شهید علی قوچانی در همان سه‌راهی کارخانه نمک شهید شد. در این ماجرا خود شهید خرازی هم آمده بود و یک لحظات و صحنه‌های عجیبی رقم خورد که نظیرش را کمتر دیده بودیم. بچه‌ها در درگیری با گارد مرزی عراق تلفات زیادی به آنها وارد کردند. هرچند درنهایت مجبور شدیم عقب‌نشینی کنیم، ولی آن روز یک روز حساس و ماندگار بود. شب بعد دوباره حمله کردیم و این بار جاده فاو-بصره باز شد و نهایتاً خط ما به کارخانه نمک رسید و تثبیت شد. ما هر شب در فاو یک عملیات داشتیم.

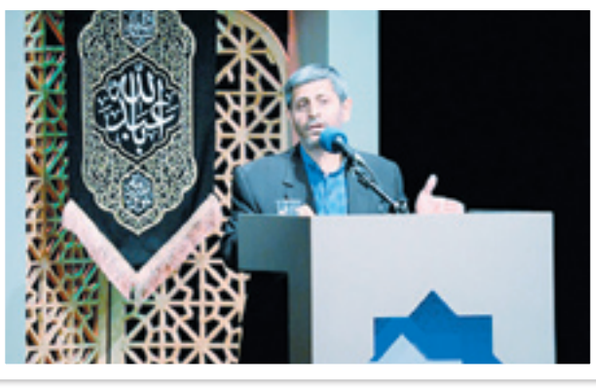

غواصان گردان یونس از لشکر ۱۴ امام حسین(ع)

طراح: علیرضا سجادی‌فر ■ شماره ۵۸۵۳

از راست به چپ

■ ۱- ستاره سهیل- رمانی نوشته ایوان تورگنیف روسی ■ ۲- نام اصلی میرزاکوچک خان- کرم روده- نیم ساعت! ■ ۳- کشاورز- شهری در گیلان- خوردنی دردناک ■ ۴- شهر نیروگاهی مازندران- آرامگاه پروین اعتصامی- سرزنش کردن- دانشمند ■ ۵- حرف دهن‌کجی- انواع گیاهان علفی خوراکی- خط کش مهندسی- کانون دایره ■ ۶- شهر فولاد اصفهان- جدید- صدویازده ■ ۷- با نام ادگار، نقاش و امپرسیونیست فرانسوی است- بالای کشتی- حرف نفی عرب- آرواره ■ ۸- حق‌الشرب- پروتئین سلول‌های زنده ■ ۹- اسم آذری- رخنه اینترنتی- پدر شعر نو- زمین آماده برای کشت ■ ۱۰- شیر ترشیده- باران اندک- اسم گذاشتن ■ ۱۱- بین- عید ویتنامی‌ها- نوعی زردآلو- عنصر شیمیایی ■ ۱۲- سرگرد قدیمی- مخفف آنکه- آفت نباتی- شتر ■ ۱۳- دسته و صف- از شهرهای لرستان- برجستگی ته کفش فوتبال ■ ۱۴- یک و یک- صفحه نمایش رایانه- مسیحی ■ ۱۵- کنایه از پنهان کردن- داروی بیهوشی

از بالا به پایین

■ ۱- گردش دسته‌جمعی- تیم فوتبالی در برزیل ■ ۲- پدر شعر فارسی- سرتیپ نیروی دریایی ■ ۳- کشور نایروبی- میلیون در صنعت برق- آهنگر شاهنامه ■ ۴- نور اندک- انگشت شهادت- جفت ماده- ترک استخوان ■ ۵- رقیبان- دست نخورده- مخفف داداش ■ ۶- تصدیق روسی- زمین کشاورزی- استخوان پاشنه پا ■ ۷- درس کشیدنی- اسب اصیل- جاری و نافذ ساختن حکم ■ ۸- پرخور- ترمز چهارپا- پول ژاپن- مبارزه با حریف خیالی در کاراته ■ ۹- عالم مادی- وزیر فرعون- انگبین ■ ۱۰- شهر غله تهران- شرف- لخت ■ ۱۱- باتری- همراه جلز در سوختن- حنا ■ ۱۲- چاشنی غذا- نفس- دست‌ها- واحد بازی تنیس ■ ۱۳- فعال و کارآمد- سلاح صبور- آتش ایرانیان باستان ■ ۱۴- سرباز زدن- خشکی مزاج ■ ۱۵- شهری در ژاپن- جانشین هنرپیشه اصلی در صحنه‌های خطرناک

جدول

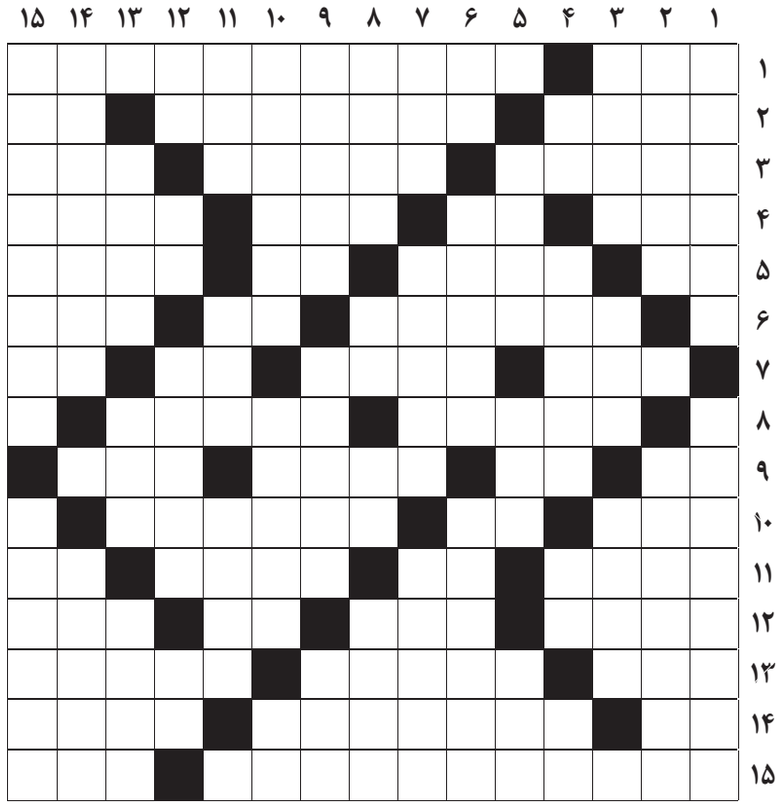

جدول سودوکو

ارقام ۱ تا ۹ را طوری قرار دهید که در هر ردیف، ستون و مربع‌های کوچک سه در سه فقط یک بار به کار روند.

۸					۷			۱
۶				۵				۷
۹								۸
			۳		۸		۶	
		۷					۱	
		۲	۹				۵	
	۵			۲	۶			
						۴		
۲	۱				۹	۳		

جدول کلمات متقاطع

پاسخ جدول شماره ۵۸۵۲

۶	۸	۴	۶	۴	۷	۷	۱	۴
۷	۴	۴	۴	۷	۱	۶	۶	۸
۶	۷	۱	۶	۴	۸	۴	۷	۴
۴	۷	۷	۴	۸	۶	۴	۶	۱
۴	۱	۶	۷	۶	۴	۸	۷	۴
۴	۶	۸	۴	۷	۱	۶	۶	۷
۷	۴	۷	۴	۴	۶	۱	۸	۶
۸	۶	۴	۷	۷	۷	۴	۶	۶
۱	۴	۶	۸	۶	۴	۶	۴	۷